

مقام و منزلت رکوع در نماز



مؤلفان

امین الدین "سعیدی- سعید افغانی"
و داکتر صلاح الدین "سعیدی- سعید افغانی"

مقام و منزلت رکوع در نماز

تتبع، نگارش و نوشته از:
امین الدین « سعیدی - سعید افغانی »
وداکتر صلاح الدین « سعیدی - سعید افغانی »

بسم الله الرحمن الرحيم مقام و منزلت رکوع در نماز

فلسفه رکوع در نماز:

اولین و زیباترین نشانه تواضع و فروتنی یک انسان مسلمان در برابر پروردگارش، خم شدن در برابر او (رکوع) و تعظیم کردن به او است. علماء در تعریف، رکوع میفرمایند که: رکوع در نماز عبارت از آن است که نمازگزار پس از سوره فاتحه و قرائت یک سوره بعد از آن، به نیت تعظیم و فروتنی در برابر فرمان الهی و عظمت پروردگار با عظمت، تا حدی خم شود که دست‌ها به زانو‌ها برسد، کمر صاف باشد، گردن کشیده باشد. خم می‌شود، یعنی کبریایی تو ما را به تعظیم و می‌دارد و در برابر بزرگی و بی‌همتایی تو، سر و قامتمان می‌شکند.

همان طوری که گفته آمدیم: رکوع نشانه خضوع و خشوع است و از صفات مؤمنان شمرده شده است، چنان که قرآن کریم در توصیف مؤمنان می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا وَاعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَافْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (سوره حج: ۷۷). (ای کسانی که ایمان آورده‌اید رکوع کنید و سجود بجا آورید و پروردگارتان را عبادت کنید و کار نیک انجام دهید تا رستگار شوید.)

نمازگزار وقت به رکوع خم می‌گردد در حقیقت با عمل خود به ذلت و خواریش و با ذکر رکوع به عظمت و کبریائی خداوند بزرگ اش اعتراف و اقرار می‌کند. طوریکه گفتیم، این بهترین نوع تواضع بنده در مقابل مقام با عظمت پروردگارش است. به همین خاطر که او الله را به عظمت و بزرگی یاد کرد پروردگار با عظمت نیز او را در نزد بندگان عزت و بزرگی می‌بخشد.

علماء میگویند که: هر چند که قرب کامل در سجده حاصل می‌شود ولی تا موقعی که ادب خضوع در رکوع کامل نگردد، قرب مطلق بدست نمی‌آید چون نقص در هر جزئی به کل سرایت می‌کند. چنانچه از پیامبر صلی الله علیه وسلم نقل شده که: «هرکس که وضوء و رکوع و خشوعش در نماز کامل نباشد نمازش ناقص است».

رکوع مرحله اول است و سجود مرحله دوم، هرکس که معنی و حقیقت اولی را به جای آورد شایستگی دومی را یافته. پس باید که رکوع با خضوع و خشوع کامل باشد تا سجده به تبع آن کامل گردد.

هیئت و شکل رکوع :

در مورد هیئت و شکل رکوع به حدیثی که از ابو داوود روایت گردیده است مراجعه مینمایم: رسول الله صلی الله علیه و سلم بعد از اتمام قرائت، اندکی سکوت مینمود، آنگاه دست‌هایش را به همان ترتیب که در تکبیر اولی بالا می‌گردد، بالا میبرد سپس تکبیر میگفت و به رکوع میرفت. و به آن شخصی (مسبیء الصلاة) یعنی شخصیکه نماز را درست نمیخواند برایش گفت:

نماز هیچ یک از شما درست نخواهد بود، مگر آن طور یکه خداوند فرموده، وضوء ی کامل بگیرد، سپس تکبیر بگوید و خدا را سپاس و ستایش کند و آن قدر از قرآن که برایش میسر باشد تلاوت نماید، سپس تکبیر بگوید و به رکوع برود و دستهایش را بر روی زانوهایش بگذارد طوری که هر یک از مفاصل بدنش آرام گیرد (روایت ابوداود و نسائی).

کیفیت رکوع کردن :

محدثین در مورد کیفیت رکوع پیامبر صلی الله علیه وسلم مینویسند که : رسول الله صلی الله علیه و سلم هنگام رکوع، دو کف دست خود را بر روی زانوهایش قرار میداد (روایت بخاری). و به اصحاب کرام خویش نیز دستور میداد که چنین کنند (متفق علیه) همانطور که شرح آن در حدیث «مسیء الصلاة» به تفصیل بیان گردیده است . پیامبر صلی الله علیه وسلم ، دستهایش را محکم بر روی زانوها قرار میداد، طوری که آنها را در پنجه گرفته بود (روایت بخاری).

و در عین حال، انگشتانش را باز میگذاشت (روایت ابوداود). «إذا رکعت فضع راحتیک علی رکبتیک، ثم فرج بین أصابعک، ثم امکث حتی يأخذ کلّ عضوٍ مأخذه» (روایت ابن خزیمه و ابن حبان) (هر گاه رکوع نمودی، دو کف دستهایش را بر روی زانوهایت قرار بده، و انگشتانت را باز بگذار و به مقداری که اعضاء و مفاصل بدنت از حرکت باز ایستند، در رکوع بمان).

پیامبر اسلام هنگام رکوع، آرنج دستهایش را از پهلوهایش دور نگاه میداشت و حتی الوسع کوشش میکرد که آرنج هایش به پهلویش نچسبند « ثم رکع فوضع یدیه علی رکبتیه کانه قابض علیهما و وتر یدیه فنحاهما عن جنبیه » (آنحضرت رکوع کرد پس نهاد دستهای خود را بر زانو ها گویا زانو ها را قبض کرده بود و هر دو دست را از هر دو پهلو ی خود دور گذاشت) (ترمذی جلد اول صفحه ۳۵ ، ابو داود جلد اول صفحه ۱۱۴ باب افتتاح الصلوه ، مشکوه صفحه ۷۶).

حالت کمر در رکوع :

محدثین مینویسند که : رسول الله صلی الله علیه و سلم به هنگام رکوع، کمرش را پهن و هموار میساخت . « قال رسول الله صلی الله علیه و سلم لاتجزی صلاه الرجل حتی یقیم ظهره فی الرکوع » (رسول الله صلی الله علیه و سلم فرموده است : کافی نمی شود نماز شخص تا آنکه برابر نکند پشت و سر خود را در رکوع) (ابوداود جلد اول صفحه ۱۳۱ ، ترمذی جلد ۲ صفحه ۳۶ ، نسائی ، ابن ماجه ، مشکوه صفحه ۸۲) . محدثین می افزایند : اندازه و برابری کمر رسول الله در رکوع به حدی بود ، حتی اگر در همان حال، مقداری آب، بر روی کمرش ریخته می شد، همانجا میماند و به زمین نمیریخت (روایت طبرانی).

طوری که پیامبر صلی الله علیه وسلم به شخصی (مسیء الصلاة) (شخصی که نماز را درست نمیخواند) گفته است : «... و امدد ظهرک و مکن لركوعک» (روایت احمد و ابوداود) (کمرت را هموار کن و رکوعت را محکم و استوار به جای آر).

وضعیت سر در وقت رکوع :

محدثین در مورد وضعیت و حالت سر پیامبر صلی الله علیه وسلم در رکوع مینگارند : «

پیامبر صلی الله علیه وسلم در رکوع سر خویش را نه پایین میکرد و نه بالا میگرفت « (روایت ابوداود و بخاری) بلکه بین این دو حالت قرار میداد (روایت مسلم).

حفظ آرامش در رکوع :

در مورد شیوه حفظ آرامش در رکوع که زیبایی خاصی برای مقام رکوع می بخشد ، حکم شرع مطابق به رهنمود های پیامبر صلی الله علیه وسلم همین است که آرامش خاصی باید در رکوع آورده شود .
طوریکه شخص رسول الله صلی الله علیه و سلم در رکوع آرامش خاصی را بخود میگرفت .

و در حدیث (مسیء الصلاة) پیامبر صلی الله علیه وسلم برای آن شخصیکه در رکوع آرامش را حفظ نمی کرد هدایت فرمود: « أتمّو الرّکوع و السّجود، فو الّذی نفسی بیده، إنّی لأراکم من بعد ظهري إذا ما رکعتم و إذا ما سجدتم» (متفق علیه) (رکوع و سجده خود را به صورت کامل ادا کنید: سوگند به ذاتی که جانم در دست اوست، من از پشت سر، میبینم که شما چگونه رکوع و سجده میکنید).

همچنان در حدیثی دیگری آمده است:

که در یکی از روز ها رسول الله صلی الله علیه و سلم متوجه نماز مردی شد که رکوع و سجده را به طور کامل ادا نمیکرد، فرمود: اگر این شخص با این حال بمیرد، بر دین محمد نمرده است، زیرا در نماز، بسان نوک زدن زاغ در خون، نوک میزند (و افزود) کسی که رکوع نمازش را کامل نسازد و در سجده، نوک بزند، به شخص گرسنه ای میماند که با خوردن یک یا دو عدد خرما میخواهد سیر شود که یقیناً سیر نمیشود (روایت حدیثی از بیهقی و طبرانی).

تکمیل نکردن رکوع بدترین دزدی است:

محدثین مینویسند که : ابوهریره میگوید مرا خلیلم (پیامبر صلی الله علیه و سلم) از سه عمل در نماز، نهی فرمود:

1- از نوک زدن مانند خوراس

2- از نگرستن به این طرف و آن طرف مانند روباه اباعورزید.

3- و از نشستن مانند شادی (میمون) جلوگیری نماید . (راوی حدیث احمد).

همچنین فرمودند: «أسوء الناس سرقة الذی یسرق من صلاته» (بدترین دزد آنست که از نمازش بدزدد)، صحابه عرض کردند: ای رسول الله صلی الله علیه و سلم ! چگونه از نماز دزدی میشود؟ فرمود: «لایتمّ رکوعها و سجودها» (روای حدیث طبرانی) (رکوع و سجده آن را کامل نه کند).

محدثین مینویسند : روزی پیامبر صلی الله علیه وسلم در حال نماز، چشمش به مردی افتاد که کمرش را در رکوع و سجده، هموار نمیکرد، پس از سلام، فرمود: «یا معشر المسلمین لاصلاة لمن لا یقیم صلبه فی الرکوع و السّجود» (روایت ابن ماجه و احمد) (ای مسلمانان! بدانید کسی که کمرش را در رکوع و سجده، هموار نمیکند، نمازش درست نیست و در حدیثی دیگر فرمود: «لاتجزیء صلاة الرّجل حتّی یقیم ظهره فی الرّکوع و السّجود» (روایت ابوداود) (نمازش کامل نیست).

اذکار رکوع:

رسول الله صلی الله علیه و سلم اکثراً در رکوع خویش اذکار و دعاها را، انتخاب میکرد و آنرا در رکوع میخواند:

- 1- « سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ » (پروردگار بزرگم پاک و منزّه است)، (سه بار). صحیح الترمذی 83/1.
- 2- « سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا وَبِحَمْدِكَ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي » (پروردگار! تو پاک و منزّه ای، خدایا تو را ستایش می نمایم، الهی، مرا ببخشای). (البخاری 99/1، و مسلم 350/1)
- 3- « سُبُّوحٌ، قُدُّوسٌ، رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ » (بسیار پاک و منزّه است پروردگار فرشتگان و جبرئیل). (مسلم 353/1، و أبو داود 230/1)
- 4- « اللَّهُمَّ لَكَ رَكَعْتُ، وَبِكَ آمَنْتُ، وَلَكَ أَسْلَمْتُ خَشَعْتُ لَكَ سَمْعِي وَبَصَرِي، وَمُحْيِي، وَعَظْمِي، وَعَصْبِي، وَمَا اسْتَقَلَّ بِهِ قَدَمِي » (پروردگار! برای تو رکوع کردم، به تو ایمان آوردم، و به تو تسلیم شدم. گوش، چشم، مخ، استخوان، پی و رگم و تمام اعضای بدنم برای تو خشوع و فروتنی نمودند). مسلم 534/1، و أهل سنن أربعة بجز ابن ماجه روایت کرده اند.
- 5- « سُبْحَانَ ذِي الْجَبَرُوتِ، وَالْمَلَكُوتِ، وَالْكِبْرِيَاءِ، وَالْعِظَمَةِ » (پاک است پروردگاری که مالک قدرت، فرمانروایی، بزرگی و عظمت است). أبو داود 230/1، والنسائی وأحمد، و سند آن حسن است.

دعای هنگام بر خاستن از رکوع:

- 1- « سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ » (الله شنید و قبول کرد ستایش کسی را که او را ستایش نمود). (البخاری مع الفتح 282/2).
- 2- « رَبَّنَا وَلَكَ الْحَمْدُ، حَمْدًا كَثِيرًا طَيِّبًا مُبَارَكًا فِيهِ » (پروردگار! حمد و ستایش های زیاد، خوب و مبارک از آن تو است). (البخاری مع الفتح 284/2).
- 3- « مِلْءَ السَّمَوَاتِ، وَمِلْءَ الْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا، وَمِلْءَ مَا شِئْتَ مِنْ شَيْءٍ بَعْدُ، أَهْلَ النَّاءِ وَالْمَجْدِ، أَحَقُّ مَا قَالَ الْعَبْدُ، وَكُنَّا لَكَ عَبْدُ اللَّهِ لَمْ نَعْطِ لِمَا نَعْتُ، وَلَا يَنْفَعُ ذَا الْجَدِّ مِنْكَ الْجَدُّ » (الهی! حمدی که آسمانها و زمین و میان آنها و هر چه تو خواهی را پر کند، از آن تو است. الهی! تو اهل ستایش و عظمت هستی. الهی تو شایسته ی ستایش بندگان هستی. همگی ما بندگان هستیم، آن چه تو بفرمائی هیچ کس جلوی آن را نمی گیرد، و آنچه جلوی آن را بگیری کسی قدرت ندارد آن را عطا نماید. الهی! صاحب ثروت، او را ثروتش از عذاب تو نجات نمی دهد «تمامی شکوه» و ثروت از آن تو است). (مسلم 346/1)

طولانی کردن رکوع:

محدثین در مورد مقدار و طول زمانی رکوع پیامبر صلی الله علیه و سلم مینویسند که : رکوع و قومه (ایستادن بعد از رکوع)، سجده و جلسه (نشستن میان دو سجده) رسول الله صلی الله علیه و سلم ، تقریباً یکسان بود (متفق علیه).

فراموشی اذکار در رکوع :

اگر احیاناً برای نماز گزار حالتی پیش آید ، که اذکار نماز از جمله «سبحان ربی العظیم» و یا سایر اذکار را در رکوع فراموش نماید ، و نماز گزار از رکوع به حالت قیام بر گشته باشد ، ولی کاملاً تا هنوز راست ایستاده نشده باشد، بر او لازمست تا دوباره بر رکوع بازگردد (و ذکر رکوع را بخواند)، ولی اگر (بطور کامل ایستاده شده باشد و کمرش) هم راست شده باشد ؛ در آنصورت بازگشت برای رکوع برایش جواز ندارد ، پس راساً به سجده باید رفته ، در اخیر سجده سهوه را قبل از سلام بعمل آورد، زیرا رکن را در نماز ترک کرده، و به دلیل نقص در (نماز) باید قبل از سلام سجده سهوه صورت گیرد.

تسمیع و تحمید گفتن بعد از رکوع:

زمانیکه نماز گزار رکوع خویش کامل ساخت ، سر خویش را از رکوع بلند مینماید و «سمع الله لمن حمده» را به زبان میاورد مستقیماً با سکون و آرامش ایستاده می شود در این حالت دستها را رها گذاشته و میگوید : « رَبَّنَا لَكَ الْحَمْدُ » (ای پروردگرم همه وصفها و تعریف ها زبینه شان توست) این در حالتی است که شما بحیث امام باشید . ولی اگر شما بحیث مقتدی باشید ، زمانیکه امام « سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ » گفت شما صرف بگوئید

« رَبَّنَا لَكَ الْحَمْدُ » . و اگر تنها بودید، هر دوی آن را (تسمیع و تحمید) « سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ » و « رَبَّنَا لَكَ الْحَمْدُ » هر دوی آنرا را بخواند.

در حدیثی حضرت ابو هریره (رض) فرموده است: «آن رسول الله (ص) قال اذا قال الامام سمع الله لمن حمده فقولوا اللهم ربنا لك الحمد» (مسلم جلد 1 صفحه 176) (هما نا رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود : چون امام « سمع الله لمن حمده » گوید شما « اللهم ربنا لك الحمد » گوئید .

همچنان در حدیث دیگری آمده است : « واذا قال سمع الله لمن حمده فقولوا ربنا ولك الحمد » (بخاری جلد اول صفحه 111 ، مسلم جلد اول صفحه 176) (چون امام « سمع الله لمن حمده » شما گوید « ربنا ولك الحمد » گوئید .

یادداشت توضیحی :

در فقه حنفی گفته شده که نماز گزار بعد از خواندن سوره فاتحه و پس از خواندن یک سوره، با گفتن الله اکبر، به رکوع رود و نیم تنه بالا را خم کند، طوری که سر و گردن با سرین برابر گردد. البته برای خانمها این چنین رکوع کردن لازم نبوده و کافی است که اندکی خم شوند. در همان حال، سه بار آرام و شمرده بگوید : «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ».

یادداشت در مورد طول قیام بعد از رکوع :

طول قیام بعد از رکوع یکی از نقاط مهمی است که به تاسف ، زیاتر از نماز گزاران توجه و اهتمام لازم به آن نمی ورزند. زیاتر وقت دیده شده که نماز گزار بعد از اینکه رکوع خویش را به اتمام میرساند ، بدون قیام یکسره به سجده میروند . پیامبر صلی الله علیه وسلم به شخصیکه نماز را درست نمیخواند (مسیء الصلاة) هدایت

فرمود که آرامش خود را در رکوع حفظ نماید. به ایشان فرمود: «ثم ارفع رأسك حتى تعادل قائمًا؛ (فياخذ كلَّ عظمٍ مأخذ) و فی روایة: «و اذا رفعت فأقم صلبك و ارفع رأسك حتى ترجع العظام إلى مفاصلها» (متفق علیه) (سپس سر از رکوع بردار و کمرت راست کن و با اعتدال ایستاده شوتا هر یک از استخوانها سر جای خود برگردد) و نیز فرمود: کسی که چنین نکند، نمازش تمام و کامل نخواهد بود.

همچنین میفرمود: «لا ينظر الله إلى صلاة عبدٍ لا يقيم صلبه بين ركوعها و سجودها» (روایت احمد و طبرانی) (خداوند، به نماز بندهای که بین رکوع و سجده، کمرش را راست نمیکند، توجه نمیفرماید).

بناً نماز گزار باید بعد از رکوع قبل از فتن به سجده باید کاملاً ایستاده شود. موضوع دوم که نماز گزار باید به آن توجه نماید حالت ایستادن بعد از رکوع است: این بدین معنی است زمانیکه نماز گزار بعد از اینکه سرخویش را از رکوع بر میدارد، برایش جایز نمی باشد، در این هنگام به سوی آسمان نگاه کند، زیرا پیامبر صلی الله علیه و سلم از این عمل نماز گزاران را نهی فرموده است. «لینتهین أقوام عن رفعهم أبصارهم عند الدُّعاء في الصلاة إلى السماء أو لتخطفن أبصارهم» (روایت مسلم: 1/321/429) «آنانی که در هنگام دعا در نماز چشمانشان را به آسمان بلند می کنند، باید از این عملشان دست بکشند، وگرنه به شدت بینایی شان گرفته می شود».

قومه:

نماز گزار در حالت قومه هر دو دست خویش را بحالت آزاد، باز و پائین می گزارد، و بر نماز گزار سنت است که: هنگام قیام در نماز به محل سجود گاه خویش نگاه کند، و هنگام رکوع بین دو پایش، و در هنگام تشهد به انگشت راستش که حرکت میدهد نگاه کند.

یادداشت قاعدوی:

اگر نماز گزار به علل مریضی نتواند در حالت رکوع آرام گیرد، نمازش صحیح است، ولی باید پیش از آنکه از حال رکوع خارج شود، ذکر واجب یعنی «سبحان ربی العظیم» و عین قاعده در حال سجده میباشد که: یا سه مرتبه «سبحان الله» را بگوید. هرگاه نتواند به اندازه رکوع خم شود باید به چیزی تکیه دهد و رکوع کند و اگر موقعی هم که تکیه داده نتواند به طور معمول رکوع کند باید به هر اندازه می تواند خم شود و اگر هیچ نتواند خم شود باید موقع رکوع بنشیند و نشسته رکوع کند، و احتیاط مستحب آن است که نماز دیگری هم بخواند و برای رکوع آن با سر اشاره نماید.

کسی که می تواند ایستاده نماز بخواند اگر در حال ایستاده یا نشسته نتواند رکوع کند باید ایستاده نماز بخواند و برای رکوع با سر اشاره کند، و اگر نتواند اشاره کند باید به نیت رکوع چشمها را هم بگذارد و ذکر آن را بگوید و به نیت برخاستن از رکوع چشمها را باز کند. و اگر از این هم عاجز است باید در قلب نیت رکوع کند و ذکر آن را بگوید. کسی که نمی تواند ایستاده یا نشسته رکوع کند و برای رکوع فقط می تواند در حالی که نشسته است کمی خم شود یا در حالی که ایستاده است با سر اشاره کند باید ایستاده نماز بخواند و برای رکوع با سر اشاره نماید و احتیاط مستحب آن است که نماز دیگری هم بخواند و موقع رکوع آن بنشیند و هر قدر می تواند برای رکوع خم شود.

اگر بعد از رسیدن به حد رکوع و آرام گرفتن بدن سر بردارد و دومرتبه به قصد رکوع به اندازه رکوع خم شود نمازش باطل است ، و نیز اگر بعد از آنکه به اندازه رکوع خم شود بدنش آرام گرفت به قصد رکوع به قدری خم شود که از اندازه رکوع بگذرد و دوباره به رکوع برگردد بنا بر احتیاط واجب نمازش باطل است و بهتر آن است که نماز را تمام کند و از سر بخواند.

و طوری که در فوق بدان اشاره نمودیم: نماز گزار بعد از تمام شدن ذکر رکوع باید راست و مستقیم ایستاده شود و بعد از آنکه بدن اش آرام گرفت به سجده رود، و اگر عمدا پیش از ایستادن یا پیش از آرام گرفتن بدن به سجده رود نمازش باطل است. اگر رکوع را فراموش کند و پیش از آنکه به سجده برسد یادش بیاید باید بایستد بعد به رکوع رود و چنانچه به حالت خمیدگی به رکوع برگردد نمازش باطل است. اگر بعد از آنکه پیشانی به زمین برسد یادش بیاید که رکوع نکرده ، بنا بر احتیاط واجب باید بایستد و رکوع را بجا آورد، و نماز را تمام کند و دوباره بخواند. مستحب است پیش از رفتن به رکوع در حالی که راست ایستاده تکبیر بگوید در رکوع زانوها را به عقب دهد و پشت را صاف نگه دارد و گردن را بکشد و مساوی پشت نگه دارد و بین دو قدم رانگاه کند. و بعد از آنکه اذکار رکوع را خواند ، راست ایستاد شود ، و وقتیکه دوباره در جال قیام آرام گرفت بگوید: «سمع الله لمن حمده».

تعداد تسبیحات در رکوع:

علماء مینویسند که : حد اقل تسبیح در رکوع سه است و زیاد از سه بار، پنج بار، هفت بار، نه بار و زیاده از آن نیز خوانده میشود، بشرطیکه شمار تسبیح طاق باشد. (دلیل آن حدیث است که الله طاق است و عدد طاق را خوش دارد .)

نقطه قابل دقت و اهتمام اینست که :

سه بار گفتن اذکار در رکوع مستحب بوده ، و دیگر اینکه این اذکار و ادعیه ها باید حتماً باید بزبان عربی باشد ، زیرا نماز عبادت توقیفی است ، باید اذکار و ادعیه آن را مطابق روش پیامبر صلی الله علیه وسلم انجام دهیم .

در مورد اینکه : گفتن ذکر رکوع و سجده به تعداد یکبار صحیح می باشد یا حتماً باید سه بار تکرار شود ؟ باید گفت که از فحوای احادیث معلوم میشود که : مستحب آنست که اذکار و ادعیه رکوع و سجده سه بار باشند زیرا این حکم در حدیثی از عتبه بن عامر بوضاحت معلوم میشود: «کان رسول الله صلی الله علیه وسلم إذا رکع قال : سبحان ربی العظیم و بحمده، ثلاثاً، و إذا سجد قال : سبحان ربی الأعلی و بحمده ثلاثاً» «پیامبر صلی الله علیه وسلم وقتی به رکوع می رفت سه بار می فرمود : سبحان ربی العظیم و بحمده و وقتی که به سجده می رفت سه بار می فرمود : سبحان ربی الأعلی و بحمده» . (حدیث ترمذی)

قابل تذکر است که برخی از علماء فرموده اند که اگر نماز گزار در رکوع یکبار اذکار را بزبان آورد نماز او نیز صحیح است ولی افضل آنست که در این بابت از سنت پیامبر صلی الله علیه وسلم متابعت شود و سه بار خوانده شود .

یادداشت :

زمانیکه شخص مسؤولیت عظیمی امامت را داشته باشد نباید در خواندن دعا طولات بعمل آرد ، بلکه حال مصلین (حال مریضان ، زنان ، مردان و مردان پیر و کهنسال و اطفال) ، را در نظر داشته باشد . (موضوع در باب امامت و وظایف امام به تفصیل بیان می یابد)

حکم بستن دوباره دست ها در قعه :

تعداد از نمازگزاران بعد از بلند شدن از رکوع یکبار دیگر دستهای خویش را دوباره بسته مینمایند، این عمل در سنت نبوی اساسی نداشته، و این عمل ناشی از اجتهاد نادرست است و عملی صحیح در نماز نمی باشد . کسانی که چنین عملی را سنت می دانند ، وبه فهم خویش این عده به عمومیت حدیث که در ذیل بدان اشاره خواهیم کرد عمل مینمایند.

در حدیث از سَهْلِ بْنِ سَعْدٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ روایت گردیده آمده است : «كَانَ النَّاسُ يُؤْمَرُونَ أَنْ يَضَعَ الرَّجُلُ الْيَمْنَى عَلَى ذِرَاعِهِ الْاَيْسَرَى فِي الصَّلَاةِ». (بخاری: 740) (سهل بن سعد رضی الله عنه می گوید: «مردم دستور داده می شدند که در نماز، دست راست خود را روی ساعد چپشان بگذارند».

باید در جواب این عده از افراد گفت که در این حدیث اصلاً اشاره بعمل نیامده که، هنگام برخاستن از رکوع باید بصورت حتمی دست های خویش را بمانند حالت قیام برای فاتحه ببندد .

ولی شیخ محمد بن صالح العثیمین رحمه الله در مقابل این علماء میگوید : « رای صواب آنست که بعد از برخاستن از رکوع، قرار دادن دست راست بر دست چپ سنت است، و دلیل آن هم حدیثی است که از بخاری از سهل بن سعد رضی الله عنه ثابت شده که گفت: « مردم دستور داده می شدند که در نماز، دست راست خود را روی ساعد چپشان بگذارند». و وجه دلالت از این حدیث؛ استقراء و تتبع است؛ زیرا ما می گوییم: در حالت سجده دستها کجا قرار می گیرند؟ جواب آنست که باید بر زمین قرار گیرند.

حال می پرسیم در حالت رکوع دستها کجا قرار می گیرند؟ جواب آنست که باید بر روی زانوها باشند.

باز می پرسیم در حالت نشستن برای تشهد دستها یا استراحت بین دو سجده دستها کجا قرار می گیرند: جواب ایسنت که روی رانها قرار می گیرند.

بنابراین تنها در حالت قیام قبل و بعد از رکوع می ماند که دستها کجا قرار گیرند و آنهم داخل در معنای حدیث «مردم دستور داده می شدند که در نماز، دست راست خود را روی ساعد چپشان بگذارند» است، یعنی این حدیث دلالت دارد بر اینکه دست راست بر روی دست چپ در حالت قیام چه قبل از رکوع و چه بعد از رکوع قرار می گیرند، و این حق است که سنت پیامبر اسلام بر آن دلالت دارد. (مجموع فتاوی العثیمین المجلد الثالث عشر - صفة الركوع.) اما شیخ البانی رحمه الله این عمل را در حاشیه ای که بر کتاب « صفة الصلاة » نگاشته بدعت می داند. (صفحه 138) شیخ البانی در کتاب «

صفة الصلاة» خود در مورد برخاستن از رکوع به حدیث مسیء الصلاة استدلال کرده و می گوید: (پیامبر صلی الله علیه وسلم) به کسی که نماز را درست نمی خواند (مسیء الصلاة) نیز چنین دستور داد که آرامش خود را در رکوع حفظ نماید، چنانکه به ایشان فرمود: «ثم ارفع رأسك حتى تعتدل قائماً؛ (فياخذ كل عظم مأخذ) و فی روایة: «و اذا رفعت فاقم صلبك و ارفع رأسك حتى ترجع العظام إلى مفاصلها» (سپس سر از رکوع بردار و کمرت راست کن و با اعتدال بایست تا هر یک از استخوان ها سر جای خود برگردد - بخاری و مسلم).

و نیز فرمود: کسی که چنین نکند، نمازش تمام و کامل نخواهد بود. سپس در پاورقی می نویسد:

یادداشت :

به وضوح معلوم است که این حدیث، به حفظ آرامش پس از رکوع، تأکید دارد، بنابراین استدلال بعضی از دوستان حجازی ما از این حدیث بر مشروعیت بستن دست ها بعد از رکوع، استدلالی است بی مورد. زیرا در مجموع روایات «مسیء الصلاة» چنین مطلبی نیامده است. و اصلاً چنین برداشتی باطل است به خاطر اینکه در این حدیث از بستن دست ها در قیام اصلی (قبل از رکوع) بحثی نشده تا چه رسد به قیام بعد از رکوع. و اینکه فرموده است هر یک از استخوان ها سر جای خویش برگردد؛ هدف، استخوان های کمر است چنانکه قبلاً گذشت.

من در اینکه بستن دست ها پس از رکوع، بدعت تردیدی ندارم زیرا چنین مطلبی در هیچ یک از روایات نماز نیامده.

و اگر چنین چیزی وجود می داشت، لابد کسی آن را نقل می نمود یا یکی از ائمه و سلف به آن عمل می کرد. و اما آنچه شیخ تویجری در صفحه 18-19 رساله اش به نقل از امام احمد آورده که ایشان فرموده اند: «هر کس خواست بعد از رکوع دست هایش را باز بگذارد یا ببندد اشکالی ندارد» حدیث مرفوعی نیست، به فرض صحت نسبت آن به امام احمد، اجتهاد ایشان محسوب می شود، که اجتهاد امامی نمی تواند بدعت بودن امر ثابتی را از بین ببرد. و برداشت من از این سخن امام احمد این است که ایشان بستن دست ها را بعد از رکوع سنت، نمی داند، بنابراین آن را به اختیار نماز گزار گذاشته است، و اگر نه آیا به نظر شیخ تویجری، امام احمد می توانست در بستن دست ها در قیام قبل از رکوع به نماز گزار اختیار بدهند؟!

بنابراین بنظر می رسد بستن دست ها بعد از برخاستن از رکوع جزو سنت نباشد و کسانی که چنین رای داده اند بنا به حدیث «سهل» چنین برداشتی داشته اند ولی اگر چنین امری سنت می بود حتماً از طرق دیگری یا از عمل صحابه برای ما مشخص می شد.

راز و حکمت مشترک رکوع و سجود:

راز مشترک رکوع و سجود تسلیم و فروتنی در برابر پروردگار با عظمت است، تفاوت رکوع و سجود در این است که سجود، چون فروتراز رکوع است، سجود نماینگر وضع است که این حالت به الله سبحان نزدیک تر است، چون بنده هر اندازه به تواضع نزدیک تر شود، احتمال رسیدنش به پروردگار بیشتر می شود، بنابر اهمیت مقام سجده است که

از آن در تعداد زیادی نصوص اسلامی تذکر یافته است . « اقرب ما یکون العبد من الله عز وجل و هو ساجد» .

علماء در مورد حکمت رکوع میفرمایند که بجاء آوردن رکوع : از جمله زیباترین خضوع و فروتنی بشمار میرود ؛ رکوع و خم شدن در برابر آفریدگار هستی، با شکوه ترین و زیباترین حالت تواضع و خضوع انسان است .
رکوع، سراسر تواضع، تذلل، فروتنی، خاکساری، سرسپاری، فرمانبرداری، شکستگی، دوری از تکبر، منیت و خود خواهی است .
وجه تمایز مسلمانان از سایر ملت ها ؛ در همین ادای رکوع و خم شدن در عبادت نماز نهفته است .

فواید رکوع :

علماء میفرمایند که نماز خواندن تنها غذای روح انسان نیست ، بلکه جسم انسانها را نیز تقویت می کند و انسان را در مبارزه با مشکلات روزمره یاری میرساند . وقتی چشمها در حالت نماز در سجده گاه ثابت می ماند جریان فکر نمازگزار هم خود به خود آرام شده و در نتیجه تمرکز فکری در انسان افزایش می یابد .
ثابت ماندن چشم باعث بهبود ضعف و نواقصی مانند نزدیک بینی می شود و به لحاظ روانی این حالت باعث افزایش مقاومت عصبی نمازگزار شده و حتی بیخوابی و افکار ناآرام را از انسان ، تقلیل و دور می کند .
فعالیت و تحرک بدنی نماز گزار در رکوع و خم شدن آن در نماز، باعث تحرک و عدم سکون در میگردد و نمازگزار را از خمودگی و سستی نجات میدهد .
ایستادن و قیام در حالت نماز باعث تقویت حالت تعادلی جسم شده و قسمت مرکزی مخچه که محل کنترل اعمال و حرکات ارادی است را تقویت می کند و این عمل باعث می شود که انسان با صرف کمترین نیرو و انرژی به انجام صحیح حرکات بعدی بپردازد .
نماز قسمت فوقانی بدن را پرورش داده و مهره های ستون فقرات را تقویت کرده و آن را در حالت مستقیم نگاه می دارد .
تقویت احشاء و ماهیچه های شکم ، حفظ سلامت دستگاه هاضمه و رفع سوءهاضمه و بی اشتهاهی از دیگر خواص رکوع در نماز است .
اطباء می گویند در حالت رکوع ماهیچه های اطراف ستون مهره ها منبسط می شود که در متعادل و آرام کردن سمپاتیک موثر است .
مدت زمان خواندن ذکر رکوع نیز باعث تقویت عضلات صورت و گردن ساق پا و رانها می شود و به این ترتیب به جریان خون در قسمتهای مختلف بدن سرعت می بخشد .
تنظیم متابولیسم یعنی تجزیه غذایی که می خورید و تبدیل آن به انرژی مورد نیاز بدن ، فراهم نمودن زمینه از بین رفتن اکثر از امراض جسم ، کمک به افزایش حالت استواری و استحکام مغز و بهبود ناراحتی های تناسلی و نارسایی های تخمدان از دیگر خواص رکوع بشمار میرود .

آیامدرک رکوع مدرک رکعت است؟

بلی مدرک رکوع مدرک رکعت است، اگر احياناً حالت پیش آید که : مقتدی امام را در

حال رکوع در می‌یابد باید تکبیر تحریمه « الله اکبر » گفته و بلافاصله به رکوع برود و در چنین حالتی تکبیر رکوع برایش سنت می‌شود نه واجب، لیکن افضل این است که برای رکوع نیز تکبیر بگوید و در صورت ترک آنهم کدام مشکلی در نمازش پیدا نمی‌شود. این شخص در چنین حالتی دارای یکی از حالات ذیل می‌شود:

حالت اول:

یقین داشته باشد که قبل از برخاستن امام از رکوع به رکوع رسیده است، در چنین صورتی به آن رکعت رسیده و خواندن سوره فاتحه از او ساقط می‌گردد.

حالت دوم:

یقین داشته باشد که قبل از آن که او به رکوع برسد امام از رکوع برخاسته است. در چنین صورتی رکوع از او فوت شده و قضای (اتمام) آن بر او لازم می‌شود.

حالت سوم:

دچار تردید و شك باشد که آیا امام را در حال رکوع یافته است یا اینکه قبل از رفتن به رکوع امام سرش را از رکوع برداشته است؟

در چنین حالتی غالب گمانش را معیار قرار دهد، چنانچه غالب گمانش این باشد که امام را در حال رکوع درك نموده، پس رکعت مذکور برایش محسوب می‌شود، ولی اگر بیشترین گمانش این باشد که به رکوع نرسیده است، پس این رکعت از او فوت شده و قضای آن بر او لازم است.

در این حالت اگر چیزی از نماز فوت شده است سجدۀ سهو بعد از سلام لازم است و اگر چیزی از نماز فوت نشده سجدۀ سهو لازم نیست، به این صورت که رکعت مشکوک رکعت اول باشد و به ظن غالب، او به رکوع رسیده است، در این حالت سجدۀ سهو از او ساقط می‌گردد: چون نمازش با نماز امام مرتبط است و زمانی که چیزی از نماز مقتدی فوت نشود امام ضامن سجدۀ سهو او می‌شود.

در اینجا نیز حالت دیگری نیز وجود دارد و آن حالت مساوی بود گمان بین رسیدن و نرسیدن (حالت پنجاه پنجاه) است؛ در این حالت بر جانب یقین یعنی نرسیدن بنا کند؛ زیرا اصل نرسیدن است و این رکعت از او فوت شده محسوب می‌شود و قبل از سلام سجدۀ سهو کند.

در اینجا مسئله ای دیگری وجود دارد که دوست دارم در این مناسبت به آن بپردازم، و آن این‌که بسیاری از مردم هنگامی که به مسجد داخل می‌شوند و امام را در حال رکوع می‌بینند شروع به سرفه کردن می‌کنند و یا جملاتی مانند « ان الله مع الصابرين » زبان می‌آورند و پاهای شانرا به زمین می‌کوبند تا از این طریق امام را متوجه ساخته و امام را در حال رکوع نگه دارند، همه‌ی این کارها خلاف سنت است و ایجاد تشویش بر امام و مقتدی‌ها است..

هکذا در بسیاری از اوقات دیده شده که: عده‌ای از مسلمانان مقتدی که امام را در حال رکوع می‌بینند شتابان خود را به رکوع می‌رسانند، حال آن که پیامبر اسلام از این عمل نهی کرده و فرموده است: « اِذَا سَمِعْتُمُ الْإِقَامَةَ فَاْمَشُوا إِلَى الصَّلَاةِ وَعَلَيْكُمُ السَّكِينَةُ وَالْوَقَارُ، وَلَا تُسْرِعُوا، فَمَا أَدْرَكْتُمْ فَصَلُّوا، وَمَا فَاتَكُمْ فَأْتُمُوا » « هرگاه اقامه‌ی نماز را

شنیدید با آرامش و متانت به سوی نماز حرکت کنید و با حالت شتاب به سوی آن نروید، هر مقدار که با امام رسیدید، آن مقدار را با امام بخوانید و بعد از سلام امام، باقی مانده‌ی نماز را تکمیل کنید». (بخاری (۹۰۸، ۶۳۶)، مسلم (۶۰۲)).

خواننده محترم!

در بین بسیاری از اقشار جامعه چنین رایج است که وقتی چیزی را در زندگی خویش گم می‌کنند به نماز می‌ایستند تا آن را دوباره بدست آرند، در واقع نماز بهترین فرصت است که انسان می‌تواند به تمرکز حواس بخصوص از طریق ایستادن به سوی قبله، رکوع و سجود اخلاصمندان با خشوع و خضوع، بسوی خالق، بدان دست یابد. یکی از روانشناسان می‌گوید: محبت یا عشق پنج نوع است و یکی از انواع این محبت و عشق به پروردگار با عظمت می‌باشد.

روانشناسان در تحقیقات خویش می‌افزایند که: این عشق برای زندگی انسان بی‌نهایت ضروری است، زیرا انسان باید همیشه در فکر کمال خویش بوده، و آرزوی وصول به آن را باید همیشه در سرخویش پیروراند تا به پیشرفت و حل مشکلات در زندگی نایل آید.

یگانه راه وصول به این هدف نماز و اداء حرکات آن از جمله قیام رکوع و سجود آن مطابق به سنت پیامبر صلی الله علیه و سلم می‌باشد.

اگر بخواهیم برای نماز روح و جسم قایل شویم و حرکات فیزیکی (قیام، رکوع و سجده) را جسم نماز و حالات روحانی آن را روح نماز نام گذاریم به فواید و آثار نماز بیشتر پی خواهیم می‌برد. از پروردگار با عظمت استدعا دارم که نماز اخلاصمندان ما را به در بار خویش قبول فرماید.

پایان

فهرست و موضوعات مندرج :

شماره	موضوعات
1	- فلسفه رکوع در نماز
2	- هیئت و شکل رکوع
3	- کیفیت رکوع کردن
4	- حالت کمر در رکوع
5	- وضعیت سر در وقت رکوع
6	- حفظ آرامش در رکوع
7	- تکمیل نکردن رکوع بدترین دزدی است
8	- اذکار رکوع
9	- دعای هنگام بر خاستن از رکوع
10	- فراموشی اذکار در رکوع
11	- تسمیع و تحمید گفتن بعد از رکوع
12	- یادداشت در مورد طول قیام بعد از رکوع
13	- قومه
14	- یادداشت در مورد طول قیام بعد از رکوع
15	- تعداد تسبیحات در رکوع
16	- حکم بستن دوباره دست ها در قعه
17	- راز و حکمت مشترک رکوع و سجود
18	- فواید رکوع
19	- آیامدرک رکوع مدرک رکعت است؟

مقام و منزلت رکوع در نماز

تتبع، نگارش و نوشته از:

امین الدین « سعیدی - سعید افغانی »

وداکتر صلاح الدین « سعیدی - سعید افغانی »

ادرس ارتباطی : saidafghani@hotmail.com

در باره رساله

مقام و منزلت رکوع در نماز

فلسفه رکوع در نماز:

اولین و زیباترین نشانه تواضع و فروتنی یک انسان
مسلمان در برابر پروردگارش، خم شدن در برابر او

(رکوع) و تعظیم کردن به او است.

علماء در تعریف، رکوع میفرمایند که: رکوع در نماز
عبارت از آن است که نمازگزار پس از سوره فاتحه و
قرائت یک سوره بعد از آن، به نیت تعظیم و فروتنی در
برابر فرمان الهی و عظمت پروردگار با عظمت، تا حدی
خم شود که دستها به زانوها برسد، کمر صاف باشد،
گردن کشیده باشد.

خم می‌شود، یعنی کبریایی تو ما را به تعظیم و
می‌دارد و در برابر بزرگی و بی‌همتایی تو، سر و
قامت‌مان می‌شکند.

همان طوری که گفته آمدیم: رکوع نشانه خضوع و
خشوع است و از صفات مؤمنان شمرده شده است،
چنان که قرآن کریم در توصیف مؤمنان می‌فرماید:
« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا وَاعْبُدُوا رَبَّكُمْ
وَافْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ » (سوره حج: ۷۷). (ای
کسانی که ایمان آورده‌اید رکوع کنید و سجود بجا
آورید و پروردگارتان را عبادت کنید و کار نیک انجام
دهید تا رستگار شوید).

نمازگزار وقت به رکوع خم می‌گردد در حقیقت با عمل
خود به ذلت و خواریش و با ذکر رکوع به عظمت و
کبریائی خداوند بزرگ اش اعتراف و اقرار می‌کند.
طوری‌که گفتیم، این بهترین نوع تواضع بنده در مقابل
مقام با عظمت پروردگارش است. به همین خاطر که
او الله را به عظمت و بزرگی یاد کرد پروردگار با عظمت
نیز او را در نزد بندگان عزت و بزرگی می‌بخشد.